

یکی از ایشان گفت قدری بیشتر از آنچه میخواستید بنام من بخوانید
 از خدای تعالی بخواهید که وی قادر است که درین راه بیشتر تازید
 برده و همه قوم دعا کردند چون اندکی راه فرستند زینبیل یافتند
 دوخته بر آرزو دیگری از ایشان گفت که قدری غسل بایستی که
 با این بیشتر بخوردی محمد بن منکدر گفت آن کس که شمار این راه
 تواند که غسل چشم بدو قوم دعا کردند چون اندکی بر فتنه قدحی
 بر غسل دیدند بر سر راه نهادند و دانند چون پیشرو غسل را
 با هم بخوردند **عبدالله بن ابی حمزه** **عبدالله بن ابی حمزه** **عبدالله بن ابی حمزه**
 که بفرمای قسطنطنیه مرقم کنی مابینتست و موج مار الیکنی اجبت
 در میان دریا میان کس یا شنش بودیم خدای تعالی هر مایه داد
 برای هر یکی از ما یک برگ از آن شنگ می رویانید که برای
 یکدیگر و بجای طعام و شراب می نشست تا وقت که گشتی با رسید
 و ما را برداشت و یک تاره برد **ابوبن الحنفی** **ابوبن الحنفی** **ابوبن الحنفی**
 بصره بود است قال الحسن البصری رحمه الله تعالی سید شهاب
 البصره ابوبن الحنفی بن عبد الواحد بن زید کفتم است بیا ابوبن

سخنیانی در کوه حرا بودم مرا شنید که سخن در یافت چنانکه وی
 آنرا از زینبده من فهم کرد گفت ترا چه شد لقمه مرا چنان شنیدی
 در یافته است که بر نفس خود ترا سلام گفت هر چه گشت پویشیده
 خواهی داشت لقمه ای مرا سوگند داد من هم سوگند خوردم
 نازنده با هیچ کس نکند بای خود را بر کوه حرا از آب بر جوشید
 سر آب خوردیم و صداری با خود برداشتم و نازنده بود
 با این مجلس **لقمه سالم بن ابی حمزه** **لقمه سالم بن ابی حمزه** **لقمه سالم بن ابی حمزه**
 در صحبت انس بود رضی الله عنه همیشه روزی مبد شست و در هر
 شب روزی یک ختم قرآن میکرد از جماعتی که در حرا کمان بر
 قبر وی می گذاشتند روایت کرده اند که مکلفند آن بچون نزدیک
 قبر سالم میرسیم او از قرائت قرآن می شنویم یک روز سالم
 از بنید طول بر رسید که هر چه میورسید است که کسی غیر از اینها
 در قبر خود نماز گذارد و بنید گفت فی سالم گفت خداوند اگر کسی را
 اذن خواهی کرده که در قبر نماز گذارد سالم را اذن کن بی از لغات
 گفته است که والله الذی لا اله الا هو کم من سالم را در قبر نهادم و بنید

سخنند کرده